



ایجاد محدودیت حرفه‌ای؛ تخصص گرایی در عصر بازرگانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حوزه‌های اقتصادی کشور که با این چالش روبه‌روست، حوزه تجارت و بازرگانی است؛ بخشی که با توجه به پتانسیل‌های موجود بالا می‌تواند منافع زیادی برای کشور به ارمغان آورد، اما به دلیل عدم بهره‌وری ایده‌آل نیروی فعال در این عرصه آنچه به دست می‌آید، از حداقل انتظارات بسیار دور است.

دکتر محمدحسن صرافی‌زاده، استاد دانشگاه و صاحب‌نظر و پژوهشگر اقتصادی از مجموعه کارشناسان و فعالان اقتصادی است که تجربه حضور در ساختار دولتی، فعالیت در بخش خصوصی و مدیریت در نهادهای مالی را اندوخته و امروز به عنوان استاد در دانشگاه و مرکز آموزش بازرگانی کشور آنچه را آموخته در اختیار آینده‌سازان اقتصاد کشور قرار می‌دهد.

نقد وضعیت آموزش نیروی انسانی در بخش بازرگانی از سوی دکتر صرافی‌زاده می‌تواند زوایای تاریک موجود در این بخش را روشن کند و نقطه آغازی برای حل این مشکل خودساخته باشد. دکتر محمدحسن صرافی‌زاده با ارائه تعبیری متفاوت از آموزش گفت: آموزش، ساختن انسانی نو با تفکری متفاوت برای جهانی جدید است و از منظری دیگر باید بیان کرد،

در رشد اقتصادی یاد می‌شود. وجود نیروی انسانی به معنی عام آن در تمامی نظام‌های اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر است و آنچه به وجود آورنده تفاوت‌هاست، درجه و میزان کیفیت و کارایی نیروی انسانی است که به دنبال فراگیری دانش و مهارت در سیستم‌های آموزشی فراهم می‌شود.

در حال حاضر مقاطع مختلف آموزشی در تمامی کشورها وجود دارد، اما آنچه موجب شده خروجی اقتصادهای مختلف، متفاوت باشد، چگونگی استفاده از نیروی آموزش دیده و هدمند بودن برنامه‌های آموزشی است؛ موضوعی که خلاء آن در نظام آموزشی و ساختار اقتصادی کشورمان مشهود است، چنان که فعالیت نیروهای آموزش دیده در عرصه‌ای متفاوت از آنچه آموخته‌اند، موجب ناکارآمدی و بهره‌وری غیرقابل قبول شده است. آنچه امروز بسیاری نظام‌های اقتصادی از آن رنج می‌برند، آموزش بدون هدف است و چه بسا کشورهایی چون ایران که از نظام آموزش ابتدایی و عالی مناسبی برخوردارند، اما جذب بی‌هدف نیروی انسانی در بخش اشتغال موجب هدر رفت سرمایه‌های انسانی و اقتصادی ارزشمند در آن کشورها شده است. از جمله

نقش و اهمیت نیروی انسانی در فعالیت‌های اجتماعی و فرآیندهای اقتصادی امری غیرقابل انکار است. در واقع آنچه امروز از آن به دستاوردهای بشری، تکنولوژی و توسعه اقتصادی تعبیر می‌شود، نتیجه عملکرد بخشی است که به آن نیروی انسانی گفته می‌شود، فارغ از اینکه بخواهیم سهم نیروی کار ساده و نیروی انسانی دانش‌آموخته و ماهر را از هم تفکیک کنیم. تفاوت کشورها در توسعه یافتگی نیز حاصل عملکرد متفاوت نیروی انسانی در ایجاد زیرساخت‌های توسعه و به کارگیری ابزار اقتصادی است. در عرصه اقتصاد بر کیفیت و کارایی تأکید زیادی می‌شود، زیرا موفقیت در رقابت اقتصادی حاصل عملکرد دانش‌محور نیروی انسانی است که آن را بهره‌وری می‌نامند.

با توجه به اهمیت نقش بهره‌وری در توسعه اقتصادی، تلاش می‌شود با سرمایه‌گذاری روی نیروی انسانی و اعتلای کیفیت عملکرد آن، زمینه مورد نیاز برای افزایش بهره‌وری فراهم شود. به مفهومی دیگر به دنبال فراگیری دانش و مهارت، توان نیروی انسانی از کارگر ساده ارتقا پیدا می‌کند و به سرمایه انسانی تبدیل می‌شود که در مباحث اقتصادی از آن به عنوان عامل بهره‌وری مؤثر

با بهره‌گیری از آموزش، نیروی انسانی به انرژی انسانی تبدیل می‌شود و جلوگیری از هدررفت این انرژی، نیازمند برنامه‌ریزی از سوی دولت بر اساس ایجاد توازن میان عرضه و تقاضای نیروی انسانی بر مبنای نیاز کشور به نیروی کار در بخش‌های مختلف است. وی چگونگی برنامه‌ریزی آموزشی از سوی دولت در این بخش را چنین تشریح کرد: باید نیاز سال‌های آتی حوزه بازرگانی به تخصص‌های مختلف بررسی شود تا بر اساس آن برنامه آموزش دانشگاه‌های کشور تدوین شود، برای مثال در حالی که دیر یا زود ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی (WTO) درمی‌آید، متأسفانه در سیستم آموزشی کشور جایگاهی برای این رشته وجود ندارد و پس از پیوستن ایران به این سازمان افرادی که بتوانند در این عرصه فعالیت کنند، در کشور وجود ندارند، زیرا تا کنون تمام توجه نظام آموزش عالی کشور به تربیت کارشناسان رشته‌های مالی معطوف بوده است.

استاد مرکز آموزش بازرگانی از روند آموزش نیروی انسانی در کشور انتقاد کرد و توضیح داد: به دلیل عدم توجه به تخصص‌های مورد نیاز بدنه اقتصادی کشور و بی‌توجهی به خلأهای موجود، نیروی انسانی بر اساس فرآیند دانشگاهی و بدون توجه به نیاز بخش‌های صنعت و بازرگانی در مراکز آموزش عالی آموزش می‌بینند؛ علاوه بر این، نظام آموزشی به موارد مهمی چون اهمیت آموزش زبان بی‌توجه است و این در حالی است که توجه به این موضوع در کشورهای جهان در میان اولویت‌های اول قرار دارد. دکتر محمدحسن صرافی‌زاده راه‌اندازی مرکز تربیت بازرگان در کشور را امری ضروری دانست و با تأکید بر اینکه به صرف برخورداری از آموزش تئوری علوم مختلف اقتصادی نمی‌توان بازرگانان موفق برای اداره امور تجاری کشور تربیت کرد، گفت: در چنین مرکزی می‌توان با فراهم کردن فضایی مجازی برای تجربه فعالیت‌های تجاری توسط دانشجویان این امکان فراهم شود که نیروی انسانی دانش‌آموخته با زوایای مختلف تجارت آشنایی کامل داشته باشد.

این کارشناس صاحب‌نظر در امور اقتصادی، پیش‌نیازهای لازم برای رسیدن به یک تجارت موفق را به چهار بخش سخت‌افزار، نرم‌افزار، مغزافزار و دل‌افزار تقسیم کرد و سخت‌افزار را تجهیزات، ماشین‌آلات و امکانات فیزیکی دانست. وی در مورد نرم‌افزار گفت: نرم‌افزار به طور کلی شامل انرژی انسانی است که بخشی از آن را نیروی انسانی و بخش دیگر را منابع انسانی تشکیل می‌دهد که به سه سطح عالی، میانی و اجرایی تقسیم می‌شود. مدیر پیشین تشویق و توسعه صادرات بانک صنعت و معدن وظایف هر کدام از این سه سطح را چنین تشریح کرد: سطح عالی مسئولیت برنامه‌ریزی استراتژیک؛ سطح میانی، عملیاتی کردن برنامه‌ها و سطح اجرایی، به عنوان نیروی کار ساده عمل می‌کند که در میان آنها سطح عالی به عنوان ارزشی‌ترین گروه از نیروی انسانی که حساس‌ترین مسئولیت‌ها را به عهده دارد، باید سه شرط آموزش، تجربه و مهارت را احراز نماید.

وی از مغزافزار به عنوان سومین پیش‌نیاز لازم برای توسعه بازرگانی کشور یاد کرد و اظهار داشت: این عامل در واقع مدیریت امور را بر عهده دارد که از جمله آن می‌توان به مشاورها اشاره کرد که می‌توانند از میان کارشناسان با تجربه داخلی یا خارجی انتخاب شوند. در این ارتباط نباید نقش گروه دیگری که مسئولیت آموزش و تربیت درون‌سازمانی را بر عهده دارند، فراموش شود. استاد مرکز آموزش بازرگانی با تأکید بر اینکه به دست آوردن دانش فنی، تحقیقات علمی و تجربیات عملی از داخل و خارج کشور موجب تقویت بخشی از سازمان

می‌شود که زیرمجموعه مغزافزار قرار می‌گیرد، در مورد چهارمین عامل توسعه بازرگانی گفت: عاملی که موجب می‌شود سخت‌افزار، نرم‌افزار و مغزافزار در کنار یکدیگر قرار گیرند و مؤثر عمل کنند، دل‌افزار یا تمایل به ارتقای وضعیت موجود است که در این زمینه دولت در بالاترین رده و پس از آن مدیریت و رأس هرم سازمانی مؤثرترین نقش را ایفا می‌کند تا با تشویق و ترغیب مجموعه، از هدررفت فرصت‌ها جلوگیری کنند.

وی در ادامه با انتقاد از نظام آموزشی کشور افزود: در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، وضعیت افراد پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود نیروهای آموزش دیده در حرفه تخصصی خود مشغول به کار شده‌اند یا خیر، اما این موضوع در کشور ما نادیده گرفته می‌شود و برنامه‌ای برای جذب نیروهای متخصص وجود



ندارد که این می‌تواند نتیجه دولتی یا نیمه دولتی بودن اقتصاد کشور باشد و البته بخش بازرگانی و تجارت کشور نیز از این قاعده مستثنا نیست.

دکتر صرافی‌زاده نحوه آموزش نیروی کار مورد نیاز بخش اقتصاد را نقطه ضعف دیگری توصیف کرد و اذعان داشت: فارغ‌التحصیلان دانشگاهی باید به عنوان نیروی کار کارشناس به کار گرفته شوند و برای امور اجرایی، تکنسین تربیت شود که متأسفانه خلاء این بخش آموزشی در کشور وجود دارد و افراد پس از اخذ دیپلم تنها به تحصیل در دانشگاه می‌اندیشند اگرچه بتازگی در کشور مراکزی در قالب آموزش فنی حرفه‌ای راه‌اندازی شده که وظیفه تربیت تکنسین را بر عهده دارند که البته به دلیل ذهنیت اشتباه حاکم بر جامعه، این تفکر وجود دارد که این مراکز مختص افراد با توانایی ذهنی کمتر است و از این رو تحصیل در این مراکز کمتر مورد استقبال قرار می‌گیرد.

این پژوهشگر علوم اقتصادی ادامه داد: این موضوع در بخش بازرگانی کشور بخوبی مشهود است؛ چنان که مرکزی برای آموزش مشاغل تخصصی مرتبط با فعالیت‌های تجاری و بازرگانی مانند آموزش ترخیص‌کار گمرکی وجود ندارد و افراد برای به دست آوردن مهارت، راهی جز تجربه عملی با آزمون و خطا و صرف هزینه‌های شخصی و ملی بالا ندارند.

این صاحب‌نظر امور بازرگانی در ارائه راه‌حل برای این مشکل بیان کرد: در حال حاضر برای دریافت کارت بازرگانی نیاز به آموختن دانش خاصی نیست، اما برای توانمند کردن بازرگانی کشور باید محدودیت حرفه‌ای به وجود آورد و اخذ کارت بازرگانی را به فراگیری تخصص‌های لازم و آموختن دانش مورد نیاز مانند زبان، قوانین تجاری و بازرگانی مختلف منوط کرد تا افراد با الزام به یادگیری آنها توان لازم برای فعالیت بازرگانی را کسب کنند. دکتر محمدحسن صرافی‌زاده با تأکید بر این نکته که باید میان بازرگانی و صنعت از یک سو و آموزش‌های دانشگاهی از سوی دیگر توازن برقرار شود، توضیح داد: نیروی انسانی نباید بر اساس فرآیند دانشگاهی آموزش ببیند، در واقع باید نیاز بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله بازرگانی بررسی شود و بر اساس آن افراد آموزش ببینند، در غیر این

صورت، آموزش‌ها تأثیر زیادی بر توسعه اقتصادی و تجاری کشور نخواهد گذاشت، چنان که در حال حاضر بازرگانی کشور از خلاء نیروی دانش‌آموخته متخصص رنج می‌برد.

این محقق اقتصادی همچنین به ترسیم خصوصیات فردی که یک نیروی انسانی فعال در حوزه تجارت نیازمند داشتن آن است، پرداخت و داشتن تدبیر برای این افراد را الزامی دانست و اذعان داشت: تدبیر به مفهوم توانمندی، دانش، بینش و روش‌مندی است. وی در ادامه به ارائه توضیحاتی در مورد این چهار گزینه پرداخت و گفت: توانمندی شامل توانمندی جسمی و فیزیکی، روحی و روانی، تکنولوژیکی، آرامش محیطی، توانایی مالی و حمایت مالی دولت است. دانش نیز شامل مجموعه اندوخته‌هایی است که حاصل تحصیلات و تجربیات فردی و استفاده از نظر مشاوران و اندوخته‌های دیگر افراد و سازمان‌هاست. بینش باید شامل بینش علمی، تجاری، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و عاطفی باشد. روش‌مندی نیز به معنی نظام‌مند بودن روش‌مند کردن است. وی در پایان یادآور شد: برای رسیدن به موفقیت در عرصه بازرگانی کشور باید نگرش و تفکر موجود را اصلاح کرد.